

ناسازگاری افراط‌گرایی و خشونت با مفهوم جهاد در اسلام

توحید محرمی^۱

چکیده

افراط‌گرایی و خشونت گروه‌های افراطی به نام دین و به ظاهر اسلامی در سال‌های اخیر فجایع زیادی را به بار آورده است و مردم مناطق مختلفی از جهان به ویژه خاورمیانه از ناحیه افراطی‌گری مصائب زیادی را متحمل شده‌اند. فارغ از اینکه این منازعات که در منطقه و جهان بر پایه باورهای دینی شکل گرفته‌اند یا نه، برخی تلاش می‌کنند با ترویج اسلام هراسی، و همانندسازی خشونت و افراط‌گرایی با جهاد اسلامی، دین الهی و رحمانی اسلام به‌عنوان مکتبی خشن معرفی شود. بر همین اساس، مقاله پیش‌رو در چارچوب تحلیلی «سازه‌نگارانه» با هدف اصلی بازخوانی مفهوم جهاد اسلامی و ماهیت آن و تبیین افتراق انگاره‌های جریان افراط‌گرایی و خشونت در قالب دین درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که: ناسازگاری افراطی‌گری و خشونت با مفهوم اصیل جهاد اسلامی چگونه است؟ داده‌های به‌دست آمده از مطالعه موضوع تحقیق و منابع و نظرات اندیشمندان دینی تأیید می‌کنند که: فقدان درک صحیح از مفهوم نظری جهاد اسلامی موجبات تصور نادرست و عملی در مشروع بودن اعمال افراط‌گرایان و کاربرد خشونت علیه دیگران شده است و این در حالی است که «نسبتی بین افراط‌گرایی و جهاد اسلامی وجود ندارد». لذا اقدامات و اعمال خشونت‌آمیز گروه‌های افراطی‌گرا همچون القائده که برای احیای خلافت اسلامی و اجرای شریعت به عنوان نئوجهادیسم انجام شده است به لحاظ دینی مردود بوده و با آن ناسازگار است. نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای بوده و روش آن اسنادی و کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی

ناسازگاری، جهاد اسلامی، افراط‌گرایی، خشونت

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۲۱

مقدمه

افراطگرایی در سال‌های اخیر کام بسیاری را تلخ کرده و مردم مناطق مختلفی از افغانستان تا شمال آفریقا و حتی اروپا با تهدیدهای افراطی‌گری درد و رنج فراوانی را تجربه کردند. با وجود ناهمگونی‌های قومی، نژادی و مذهبی در خاورمیانه، افراطی‌گری و گسترش خشونت، کشورهای منطقه را با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی روبرو ساخته و در بعضی مناطق امنیت و هویت جوامع درگیر را با مخاطره جدی مواجه کرده است. بدین‌رو در وهله اول با ترکیبی از مسائل امنیتی روبرو هستیم که پیامدهایی همچون فروپاشی دولت - ملت‌ها، در معرض خطر قرار گرفتن هویت فرهنگی، گسترش نسبی‌گرایی، سیطره فرهنگ غربی و بیگانه، افزایش تروریسم و شکاف‌های اجتماعی و ظهور منازعات قومی قابل ذکر است. البته تهدیدهای افراطگرایی می‌تواند فرصتی هم برای بازخوانی مفاهیم دینی اسلامی، بصیرت‌یابی ملت‌های منطقه، و گسترش تبادل فرهنگی باشد. هرچند برخی افراطی‌گرایی و خشونت را با پیش‌فرض‌های امنیتی و منفعت‌طلبانه دانسته و زمینه‌سازی برای وهن و مخدوش شدن چهره اسلام، آموزه‌های رحمانی پیامبر اسلام (ص) و مسلمانان را از پیامدهای آن می‌دانند و از نظر ایشان اساساً دستکاری فرهنگی و اجتماعی^۱ برای ایجاد تغییرات ژئوپلیتیکی در دنیای معاصر به‌طور هدفمند بوده و امروزه از مؤلفه‌ها و عناصر توسعه‌طلبانه مؤلفه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محسوب می‌شود.^۲ به‌طوری‌که این دسته از دولت‌ها برای گسترش حوزه نفوذ خود، با ترویج خشونت و افراطی‌گری بین اتباع و جوانان کشورهای اسلامی و توسعه فعالیت‌های رسانه‌ای خود، افراطی‌گری را برای آشفتنگی و اغتشاش در منطقه خاورمیانه تشویق می‌کنند.

همچنین از سویی دیگر بسیاری از پویایی‌های سیاسی اجتماعی که در دهه‌های اخیر به نام دین و اسلام به‌وجود آمده، خاستگاه، ماهیت، عملکرد و نتایج متفاوت از یکدیگر داشته‌اند و بنیادگرایی اسلامی، اسلام‌گرایی رادیکال، اسلام سیاسی، بیداری اسلامی و افراطگرایی دینی، عناوینی است که برای تعریف این جنبش‌ها بکار رفته است و شناختن پروژه الهی - سیاسی افراطی‌گرایی اسلامی از طریق فهم جوهر لایتغیر دین امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند تحلیل این امر است که چگونه بینش‌های الهیاتی مختلف در مواجهه با قدرت، اشکال مدرنی به خود گرفتند. همان‌گونه که ممدانی می‌گوید؛ بنیادگرایی معاصر یک پروژه سیاسی مدرن و نه یک

۱. طرح خاورمیانه بزرگ و دستکاری عمده‌های هویت عربی - اسلامی و قدس اشغالی با تغییر بافت جمعیتی این شهر توسط صهیونیست‌ها نمونه‌های قابل ذکر هستند.

۲. مبنای خلافت شام و عراق مشابهت زیادی با طرح بزرگ خاورمیانه کاندو لیزا رایس و برنادلویس دارد. نقشه مشابهی که با تغییر مرزها و نقشه منطقه، تأمین امنیت اسرائیل و ناامنی برای بقیه کشورهای ... را در پی دارد.

پسماند فرهنگی سنتی است (کاونا، ۱۳۹۷: ۳۱۳). در حالی که چرایی و چگونگی جهاد فی سبیل‌الله مبتنی بر دعوت به دین الهی بوده و تلاشی برای رفع ستم و تجاوز کافران و ظالمان به حقوق دینداران و دیگر انسان‌های مظلوم و تحقق صلح عینی است که با آیه مشهور «بسم الله الرحمن الرحیم» به‌عنوان شعار اصلی مسلمانان قابل تبیین است. آیه‌ای که مسلمانان در آغاز هر سخن و عملی آن را بکار می‌گیرند و بیانگر روح حاکم بر باورها و آموخته‌های پیروان دین محمد رسول‌الله^(ص) است. «بسم‌الله» یادآور صفات رحمانی^۱ و رحیم بودن^۲ خداوند متعال است و با بازکردن باب گفت‌وگو رابطه‌ای مبتنی بر عدالت، برادری و برابری و صلح و محبت به‌ویژه با موحدان را برقرار می‌کند. نکته مهمی که برای فهم متقابل بین ادیان الهی و همزیستی شایسته و دین‌مدارانه بین جوامع مختلف لازم و ضروری است.

بنابراین مشروع دانستن خشونت و اشاعه تعمدی افراط‌گرایی بنام سنت اسلامی جهاد (کاونا، ۱۳۹۷: ۳۱۳) بدون در نظر داشتن فهم درست و درک معرفتی لازم از مفاهیم و احکام دینی اسلام صورت گرفته است (بهنساوی، ۱۳۹۲: ۳۶-۲۵ و ۴۰-۳۹). با توجه به شرایط پیچیده و توسعه ابزارهای نوین رسانه‌ای، فقر منابع نظری، تجربی، اندیشه‌ای و سیاستی پیرامون مباحث اصیل دینی، انجام مطالعه حاضر را ضروری می‌سازد و می‌طلبد با پژوهش درباره مفهوم اصیل جهاد اسلامی، شناخت و درک درستی از جریان افراط‌گرایی و تعارض مفهومی آنها، به‌ویژه در کشورهای درگیر در منطقه خاورمیانه ارائه شود.

این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که ناسازگاری افراطی‌گری و خشونت با مفهوم جهاد اسلامی چگونه است؟ به‌رغم تلاش افراط‌گرایان در این همانی^۳ جهاد اسلامی با اندیشه‌های افراطی و خشونت، مشروع جلوه نمودن افراطی‌گرایی و کاربرد خشونت علیه دیگران؛ اینکه «نسبتی بین افراط‌گرایی و مفهوم اصیل جهاد اسلامی وجود ندارد» فرضیه اصلی مقاله است و برای پاسخ به سؤال مقاله از روش‌های رایج علمی توصیفی - تبیینی تحقیق بهره‌برداری شده است.

۱. رحمن؛ یکی از نام‌های خداوند تبارک و تعالی است، به‌معنای بسیاربخشنده و بخشایشگر، مهربان است و اشاره به آن رحمت بی‌حسابی است که همه جا کشیده شده است و مؤمن و کافر و حتی انسان و جماد و نبات و حیوان ندارد.

۲. «رحیم» اشاره به رحمت خاص پروردگار دارد که ویژه بندگان مطیع است و به عالم آخرت اختصاص ندارد.

۳. هم ذات‌پنداری، یکی بودن.

مبانی نظری و روش پژوهش

این پژوهش بر چارچوب تحلیلی «سازهانگاری» استوار است تا با استفاده از آن چپستی افراطی‌گری و خشونت در خاورمیانه را تشریح کند. سازهانگاری چارچوبی تحلیلی و رهیافتی است که در آن ساختارهای هنجاری و فکری به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند. در این زمینه، موضوع هویت در تفکر سازهانگاران نقش محوری دارد و سازهانگاری بر هنجارها و ارزش‌ها و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت برساخته تأکید می‌کند و افرادی همانند الکساندر ونت موضوع آن را با هویت پیوند داده‌اند. در این ارتباط ونت اعتقاد دارد که تنها شکل تعامل، در درون جامعه و دولت نیست. بلکه در میان پاره‌ای از کنشگرانی قرار دارد که با یکدیگر احساس همبستگی نموده و هویت مشترکی را تولید می‌کنند (A. Wendt: 2000, 160-165). پس برای تحلیل و تبیین افراط‌گرایی و خشونت باید به مفهوم و نظریه جهاد در منابع دینی به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه‌های هویت‌بخش به جریان افراط‌گرایی مراجعه نمود که برای درک معنایی از انگاره‌های افراط‌گرایانه بر پایه آنها شکل می‌گیرد و در نهایت کنش رفتاری آنان تعریف می‌شود. البته از سویی دیگر در سطح واحد سیاسی وقتی صحبت از رویکرد سازهانگاران می‌شود، لازم است طیف متنوعی از مؤلفه‌های هنجاری، ادراکی و رفتاری مورد توجه قرار گیرد. که وجود «دولت‌های قوی^۱» را می‌توان از نشانه‌های آن دانست. دولت قوی براساس نشانه‌های نظامی مفهوم پیدا نمی‌کند. حتی حکومت قوی براساس دیکتاتوری، سرکوب و سلطه نیز شناسایی نمی‌شود. حکومت قوی انعکاس نشانه‌هایی از همبستگی و قاعده‌پذیری است که در تحلیل تفکر و شناخت سازماندهی افراط‌گرایی کاربرد دارد. تشریح مفاهیم و ابعاد جهاد اسلامی و جریان شناسی افراط‌گرایانه، مستلزم رویکردی توصیفی است و برای نسبت‌سنجی مفهومی جهاد اسلامی و افراط‌گرایی و استخراج الگوی هویت (معانی، باورها، هنجارها) از رویکردی تبیینی استفاده خواهد شد. روش جمع‌آوری داده‌ها نیز اسنادی و کتابخانه‌ای خواهد بود.

رویکرد صلح‌آمیز اسلام

اسلام نام شریعت محمد رسول الله (ص) است که در لغت برگرفته از «سلم»، «سلام» به معنای صلح و آشتی (راغب اصفهانی: ۱۴۱۲ق: ۴۲۱) و مسالمت، سازش و از بین بردن کدورت و نفرت بین مردم است. پیامبر گرامی اسلام (ص) در هر مرحله از دعوت خود به دین اسلام، تسلیم در برابر حق و ایجاد و برقراری صلح را با اخلاقی نیکو به عنوان علت و معنای اصلی دین اسلام معرفی کرده است. قرآن کریم اخلاق نیکوی محمد رسول الله (ص) را رحمت الهی

دانسته و بر بخشش و طلب مغفرت برای مسلمانان تأکید می‌کند^۱. در واقع نرم‌خویی و اخلاق نبی (ص) علاوه بر مال و ثروت خدیجه و شمشیر علی (ع) یکی از علت‌های اصلی پیشرفت اسلام بوده است و همین ویژگی اخلاقی زمینه دعوت به سوی خداوند را با حکمت و اندرز نیکو فراهم آورد^۲. در دعوت به حق؛ نخستین گام، استفاده از منطق صحیح و ارائه دلیل حساب شده برای بیدار کردن عقل‌های خفته است و دومین گام نیز بهره‌گیری از عواطف انسان‌ها است؛ چراکه موعظه و اندرز بیشتر جنبه عاطفی دارد. سومین گام، مناظره با روش نیکو و دور از هرگونه ناراستی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۷۱ و ۲۸۱).

همچنین در قرآن کریم تأکید شده؛ «به خدا تقوا بورزید و میان خود صلح برقرار کنید»^۳ و «اسلام را برای شما به عنوان آئینی (استوار و پایدار) پذیرفتم»^۴. در دین اسلام؛ آزار و اذیت و کشتن هیچ موجود بی‌گناهی مجاز نیست، و در شریعت اسلام تجاوز به حقوق یک فرد، تهدید امتیّت جامعه است یعنی؛ هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ و تباهی رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است در واقع تجاوزگر زمینه جسارت و تجاوز به حقوق همگان را در خود ایجاد کرده است^۵ و ارزش زندگی بخشی به یک انسان همانند جاری ساختن حیات دوباره در کالبد بشریت است. بنابراین کشتن فردی به معنای کشتن بشریت است و نجات یک فرد به معنای نجات بشریت است (نایب، ۱۳۸۵). برای فهم افراط‌گرایی و شناساندن اسلام با معرفی اصول و عقاید بنیادین این دین توحیدی، سوء تعبیری که در راستای منافع خاص برخی از افراد به وجود آمده از بین می‌روند و معلوم می‌شود اسلام دین صلح و رحمت است و خشونت در آن جای ندارد (سیدشایب، ۱۳۸۵) به نظر تیجانی امام جمعه سیرالئون؛ انسان‌ها در سایه اسلام هیچ تفاوتی جز در تقوا ندارند، ولی انسان در سایه نظام کفر خوار و حقیر شده است و این درحالی است که مسلمانان وقتی همدیگر را می‌بینند سلام می‌کنند و نماز را با سلام به پایان می‌رسانند. هر چند اسلام خواستار

۱. فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ؛ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران، آیه ۱۵۹).

۲. ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (نحل، آیه ۱۲۵)

۳. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا دَاتَ بَيْنِكُمْ (انفال، آیه ۱).

۴. و رضیت لکم الاسلام دینا (مائده، آیه ۳).

۵. مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَثُرُوا مِنْهُمْ بُعِدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (مائده، آیه ۳۲).

صلح برای همه است و قرآن کریم نیز بشر را به صلح دعوت می‌کند و با تکیه بر برابری، ارزش‌های عشیره‌ای و فقر مادی را نفی می‌کند (احمدتیجانی، ۱۳۸۵). در حالی‌که برخی تلاش می‌کنند با نگرش سلبی، با این - همانی و لازم و ملزوم دانستن تعالیم دین اسلام و افراطی‌گری خشونت‌آمیز، آن را در جایگاهی تَرْتَبی به دین اسلام نسبت دهند.

از سویی دیگر زندگی صلح‌آمیز بدون قدرت و اقتدار ممکن نیست و خداوند مسلمانان را به آماده‌سازی قوا برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی امر می‌کند؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! یا در آیه دیگری به فرستاده خود امر می‌کند: «پیامبر، با کافران و منافقان به جهاد برخیز و بر آنان سخت‌گیری کن [و درشت‌خو باش]»^۲ و در این آیه با ضرورت باور قلبی برای کسب و درک حقیقت دین، منافقان را اظهارکنندگان دروغین دانسته و آنها را در ردیف کفّار قرار داده است. با اینکه در دین اسلام همواره بر مهربانی و عطفوت بین مومنان به وحدانیت خداوند متعال و انسان‌های حق‌جو تأکید شده است^۳. افراط در صلح‌طلبی نیز امر پسندیده‌ای نیست. چه بسا اصرار بیش از حد در صلح و روابط نسنجیده با دیگران و حتی امتیاز دادن به آنها، الزاماً تهدیدها را رفع نمی‌کند و برعکس امنیت را به مخاطره می‌اندازد و دیگران را برای حمله به کسی که از خود دفاع نمی‌کند، تشویق کند و جنگ و ناامنی را در پی داشته باشد. بنابراین، در اسلام بر نرمش و صلح‌طلبی توأم با اقتدار و قاطعیت تأکید شده است.

مفهوم شناسی جهاد اسلامی

«جهاد» از ریشه جهد و در لغت به معنای تلاش و کوشش است و مطابق اصول و مبانی دین الهی اسلام به اصطلاح کوششی است که هدایت و تعالی انسان را به همراه داشته باشد. به لحاظ فقهی جهاد ابتدایی فقط در زمان حضور نبی خدا^(ص) و امامان معصوم^(ع) مجاز بوده است و در دوران غیبت معصومین^(ع) تنها جنبه دفاعی دارد و مسلمانان در این دوران فقط برای حفظ جان، مال و ناموس خود می‌توانند در مقابل متجاوز دست به اسلحه ببرند و جهاد نمایند (مکارم شیرازی: ۱۳۹۷). اما برخی دیگر از فقهاء امامیه نظری خلاف دارند و معتقدند حکم جهاد منحصر به حضور امامان اثنی‌عشری و معطوف به اذن امام معصوم^(ع) نیست، بلکه

۱. وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ ... (انفال، ۶۰).

۲. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَأْمَأْهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (تحریم، ۶۶:۹).

۳. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزُوحٍ أُخْرِجَ سَطَّاهُ قَارِزُهُ فَاسْتَلْظَفَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لَيُبَيِّطَ بِهِمْ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (فتح، ۴۸، ۲۹).

اذن امام عادل (ولی فقیه عادل) در زمان غیبت برای جهاد با جائران کفایت می‌کند (المنتظری، ۱۴۰۹ ه.ق: ۱۲۱-۱۱۷) و در سطحی عالی‌تر اختیارات ولی فقیه را در دوران غیبت همان اختیارات رسول اکرم (ص) و امام معصوم (ع) می‌دانند که امر جهاد جزئی از آن اختیارات است (امام خمینی، ۱۳۵۷: ۶۶ و صحیفه نور، ج ۲: ۱۷۰).

الف) جهاد در قرآن

قرآن کریم (کتاب مقدس مسلمانان)، برخورد محبت‌آمیز با دیگران را برای تألیف قلوب، حتی با کسانی که به خداوند متعال ایمان ندارند، توصیه کرده است. محمد رسول الله (ص) با همین روش نخستین دولت اسلامی در مدینه را با وجود یهودیان این شهر تأسیس کرد و همه ساکنان آن را با هر دین و مسلکی تحت پوشش قرارداد و تا زمانی که تابع دولت اسلامی بودند از ایشان حمایت‌های لازم را به عمل آورد. لذا در قرآن کریم جواز مبارزه و دفاع از خود نه تنها برای دفاع از مسلمانان از آزار و شکنجه اعطا شد، بلکه برای دفاع از مسیحیان، یهودیان و افرادی از همه اعتقادات از اقدامات تروریستی مانند مواردی که امروز توسط داعش انجام می‌شود داده شده است (Rashid, 2017).

البته دین اسلام طرفدار صلح است، قرآن هم می‌گوید؛ صلح بهتر است^۱، اما بایستی طرفدار جنگ هم باشد، در جایی که طرف مقابل حاضر به همزیستی شرافتمندانه نیست و به حکم اینکه ظالم است و می‌خواهد به شکلی شرافت انسانی را پایمال کند ما اگر تسلیم بشویم ذلت را متحمل شده‌ایم و بی‌شرافتی را به شکل دیگری متحمل شده‌ایم. اسلام می‌گوید؛ صلح (بهتر است)، در صورتی که طرف آماده و موافق با صلح باشد؛ اما جنگ، در صورتی که طرف می‌خواهد بجنگد (مطهری، ۱۳۹۱: ۲۲۳). یعنی چنانچه مخالفان دین الهی عناد بورزند و منطق توأم با عطفوت اسلام را نپذیرند، مبارزه با فتنه‌جویان، جنگ‌افروزان، ظالمان و جلوگیری از اشاعه کفر واجب شمرده شده و از اهداف «جهاد» است. شیوه‌ای که رسول الله (ص) در برخورد با مشرکان، منافقان و یهودیانی که مانع گسترش دین اسلام بودند، اتخاذ کرد^۲ و در آیه دیگری قرآن کریم ادامه می‌دهد؛ با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و فقط دین خدا باقی بماند و چنانچه اگر به فتنه‌گری و جنگ ادامه ندادند به جنگ با آنان پایان دهید و ادامه جنگ جز بر ضد ستمکاران جایز نیست^۳. از سویی دیگر قرآن کریم مسلمانانی را که در جنگ در راه خدا برای رهایی مردان و زنان و کودکان مستضعف از یوغ ظالمان و ستمکاران سستی می‌کنند

۱. وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ (نساء، ۱۲۸).

۲. وَاَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَاُخْرَجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ اُخْرَجُوهُمْ وَالْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوَكُمْ فِيْهِ فَاِنْ قَاتَلُوَكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِيْنَ (بقره، ۱۹۱).

۳. وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُوْنَ فِتْنَةٌ وَيَكُوْنَ الدِّينُ لِلّٰهِ فَاِنْ اَنْتَهُمْ فَلَا عُدُوَانَ اِلَّا عَلَى الظَّالِمِيْنَ (بقره، ۱۹۳).

با لحنی عتاب‌آمیز مورد سرزنش قرار داده و حتی یآوری و سرپرستی آنها را پس از نابودی ظالمان واجب می‌داند^۱ (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷). تأکید بر مبارزه با فتنه‌گران در عالم از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند متعال هیچ‌گونه درنگی حتی جنگ در ماه‌های حرام در نابودی را جایز نمی‌داند^۲. بنابراین، آنچه در این آیات بیان شده و در سیره پیامبر اسلام، محمد رسول الله (ص)^۳ نیز قابل مشاهده است، در جهت تأمین و تضمین امنیت جامعه اسلامی و مسلمانان در برابر تهدیدها و توطئه‌های سازمان یافته داخلی و خارجی و حتی رفع ظلم و تعدی از غیرمسلمانان مستضعف و مورد ستم واقع شده است. در قرآن کریم هیچ آیه‌ای را نمی‌توان یافت که برای گسترش قلمرو جغرافیایی اسلام یا مسلمان کردن مردم، جنگ یا خشونت تجویز شده باشد (علیخانی، ۱۳۸۵: ۱۲۲-۹۹). به طوری که اکراه و اجبار غیرخشونت‌آمیز نیز در این راه رد شده است^۴. خداوند به نبی خود یادآوری می‌کند که تو هیچ سیطره و تسلطی بر مردم نداری تا به ایمان و اسلام مجبورشان کنی^۵، و به اکراه ایمان بیاورند. بلکه قرآن به پیامبر اسلام (ص)^۶ امر می‌کند که مردم را از راه‌های معرفتی و عقلی، موعظه و نصیحت و بحث و جدل به بهترین نحو (گفت‌وگو)، به راه خدا فرا بخواند^۷.

ب) **جهاد در سنت و سیره پیامبر اسلام (ص)**
 بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان اخلاق حسنه محمد (ص)^۸ را به قرآن مجسم تشبیه کرده‌اند. ایشان در هر زمان و مکان و هر وضعیتی حتی در هنگام جنگ و جهاد حقوق مردم و اخلاق حسنه را رعایت می‌کردند و خود را به آن مقید می‌دانستند. رسول‌الله قبل از ابلاغ وحی به دیگران، خودش مکلف و عامل به انجام فرامین الهی بود و همین الگوی رفتاری، با ناکام گذاشتن مقاومت‌ها و مخالفت‌ها، رمز توفیق ایشان در گسترش دین اسلام بود و این درحالی است که رسول‌الله (ص)^۹ برای ترویج و گسترش دین اسلام، با هیچ‌کس به نبرد نپرداخته است و در تمامی جنگ‌ها پیامبر اسلام (ص)^{۱۰} با شجاعت پیشگام در دفاع از مسلمانان بوده است. (محمود عویس، ۱۳۸۶: ۲۲۴) و البته هیچ‌گاه آغازگر جنگ با دشمنان خویش نبوده است.

۱. وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْتَلْنَا لَنَا مِنَ لُدُنِكَ وَيْلًا وَاجْتَلْنَا لَنَا مِنَ لُدُنِكَ نَصِيرًا (نساء، ۷۵).

۲. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَمَا لَهُ مِنَّامٍ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره، ۲۱۷).

۳. لا اكره في الدين قديبين الرشد من الفی (بقره، ۲۵۶).

۴. فذكر إنما أنت مذكر لست عليهم بمسيطر. سوره غاشيه، ۲-۲۱ و افانت تکره الناس حتى يكونوا مؤمنين (يونس، ۹۹).

۵. ادع الى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة و جاد لهم بالتي هي احسن (نحل، ۱۲۵).

برخلاف فضا‌سازی‌های غیرواقعی درخصوص دین اسلام و سیره جهادی پیامبر اکرم (ص)؛ اولاً، در صدر اسلام، برای ترویج و گسترش آن هیچ‌گاه جنگی صورت نگرفته و تمامی جنگ‌های رسول‌الله جنبه دفاعی داشته‌اند. در تمام این جنگ‌های صدر اسلام، مسبب، مقصر، یا شروع کننده طرف مقابل بوده است. ثانیاً، در رسالت پیامبر اسلام، جنبه‌های اخلاقی و انسانی؛ رحمت، گذشت، پایبندی به عهد و پیمان محمد (ص) حتی با دشمن بسیار بارز است. ثالثاً، ایمان آوردن افراد به دین و آئین اسلام، با اعمال زور و خشونت حاصل نمی‌شود، بلکه مسلمان شدن با فراهم آوردن زمینه شناخت و تمایل قلبی آنها محقق می‌شود، بنابراین با چنین رویکردی دیگر جایی برای خشونت و جنگ باقی نمی‌ماند.

همچنین با واکاوی بیشتر واقعیت‌های تاریخی صدر اسلام می‌توان دریافت که محمد (ص) در جامعه‌ای بدوی و منحط، به رسالت الهی مبعوث شد که پرستیدن چوب و سنگ و مجسمه به عنوان خالق و خدا مرسوم بود و جنگ و خشونت به سبب تعصبات جاهلی، زنده به گور کردن دختران و آلودگی‌های اخلاق فردی و اجتماعی بسیاری رواج داشت و در این میان که بزرگان قبایل با گسترش و توسعه دین تازه اسلام، منافع خود را در خطر می‌دیدند به این نتیجه رسیدند که با اعمال زور و خشونت جلوی پیشرفت محمد رسول‌الله (ص) و پیروانش را بگیرند و بر غم هجرت ایشان و یارانش به شهر یرش، مخالفان بت پرست دست بردار نبودند و برای جنگ با او به مدینه یا همان یرش آمدند و حتی پس از فتح مکه توسط مسلمانان، جنگ‌های مختلف و پراکنده‌ایی با برخی قبایل عرب رخ داد.

مطالعه جنگ‌های صدر اسلام^۱ نشان می‌دهد که با وجود جنگ‌های متعدد در دوران زندگی پیامبر اسلام (ص)، کشته‌های این جنگ‌ها به حدود ۵۰۰ تن نمی‌رسد و برخی از جنگ‌ها همچون فتح مکه، اصلاً تلفاتی نداشته است. این درحالی است که در شرایط فرهنگی و اجتماعی آن زمان، قتل و خشونت جزء طبیعت مردم شده بود و به آسانی و بر سر مسائل جزئی و تعصبات جاهلی افراد زیادی کشته می‌شدند و کشتن و کشته‌شدن امری عادی شده بود و تصور و تصویر و احساسی که ما امروزه از کشتن و کشته شدن يك نفر داریم در عرف فرهنگی و اجتماعی آن زمان وجود نداشت (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۲: ۳۵ - ۲۰ و عماره، ۱۳۸۳: ۴۱-۳۰). شیخ محمد جواد بلاغی و شیخ محمد رشیدرضا به این امر اشاره داشته‌اند و

۱. مجموع این درگیری‌ها، به اضافه مأموریت‌هایی شناسایی، یا کسب اطلاع از وضعیت يك گروه و قبیله، حدود ۷۰ مورد است، که حداکثر سی مورد از آنها به درگیری نظامی منجر شد و پنج مورد از آنها درگیری‌های جدی بوده است.

۲. به نظر معنای اصطلاحی جنگ و درگیری، با معنای غزوه و سریه کاملاً متفاوت است و اکثر غزوه‌ها و سریه‌های پیامبر اکرم (ص) به‌رغم اینکه مأموریت نظامی تلقی می‌گردیدند، به درگیری منجر نشدند.

جنگ‌های رسول اکرم^(ص) را صرفاً دفاعی دانسته‌اند (بلاغی، الرحله المدرسیه، ۲۱۲ و رشیدرضا، بی‌تا: ۲۱۵) و حتی رشیدرضا در ادامه بیان دیدگاه‌های خود، در ترجیح صلح و دوستی بر جنگ، آن را اصلی می‌داند که مردم باید به آن پایبند باشند و خداوند به ما فرمان داده است که آن را بر جنگ برگزینیم (رشیدرضا، ۱۴۰۸: ۳۱۲). ترجیحی که حسین ابن علی^(ع) نوه پیامبر اسلام^(ص) در واقعه عاشورا (۱۰ محرم ۶۱ هجری قمری) در کربلاء اعلام کرد، ولی او و یارانش را در جنگی نابرابر شهید کردند و خانواده‌اش را هم به اسارت گرفتند. در واقع نهضت امام حسین^(ع) در اعتراض به خشونت و افراطی‌گری بود که تعالیم اسلامی را مخدوش و جامعه مسلمانان را به انحراف برده بود. وی با یزید سازش نکرد و حقوق الهی و انسانی و پایمال شده مردم زمانه خود را مطالبه نمود. در همین راستا برخی از صاحب‌نظران سنی مذهب علاوه بر علماء شیعه، معتقدند: اهداف دین با خشونت و جنگ حاصل نخواهد شد (عبده، ۱۹۷۲، ج ۲: ۷۳۳-۷۳۲ و ج ۵: ۳۹۶). و اساساً برای افزایش نفوذ باورهای دینی به جان و دل افراد بین جوامع مختلف نیاز به کنش‌های معرفتی، فکری و علمی است و خشونت گروه‌های افراطی ماهیت عقیدتی و دینی نداشته است و زور و اجبار و نبرد مسلحانه کاربردی ندارد.

پ) اصول و آداب جهاد اسلامی

گفتیم که جهاد ابتدایی در دوران حضور معصومین^(ع) یعنی رسول‌خدا^(ص) و امامان شیعه مجاز است و جهاد دفاعی زمانی واجب می‌شود که متجاوزان، جان، مال و ناموس مسلمانان را مورد تهدید و هجوم قرار دهند. فرد مسلمان می‌باید برای حفظ امنیت خود، خانواده و جامعه‌اش به عنوان یک تکلیف الهی دفاع نماید. اصلی که در همه جوامع پذیرفته شده و بر آن اتفاق نظر دارند. دفاع از جان، مال و حیثیت در همه ادیان و مذاهب بشری مشروع بوده و خشونت تلقی نمی‌شود؛ بلکه برای مقابله با خشونت و برقراری صلح است. البته شریعت دین اسلام به‌رغم تأیید جهاد دفاعی با رویکرد اصلاحی، محدودیت‌هایی برای کاهش و کنترل خسارت و زیان‌های وارده در منازعات مقرر کرده است، محدودیت زمانی برای کاهش جنگ و خشونت در جوامع مسلمان یکی از این قواعد برای جهاد است. به‌طوری‌که اسلام جنگ در ماه‌های رجب، ذیقعدة، ذیحجه، محرم هجری شمسی را که نزد عرب قبل از اسلام، ممنوع بوده پذیرفته است و مسلمانان مکلفند حرمت جهاد ابتدایی را در این ماه‌های مذکور به استناد آیات ۲۱۷ سوره بقره و آیه ۵ سوره توبه قرآن کریم رعایت کنند و از منازعه پرهیز نمایند. مگر آنکه دشمن

آغازگر جنگ باشد و بر ادامه آن در ماه‌های حرام اصرار داشته باشد^۱ (رب: ۱۲/۷/۱۳۹۲،
(wikishia.net).

از دیگر اصول و آدابی که در جنگ و دفاع لازم است توسط مجاهدان رعایت شود، عدم تجاوز به حقوق دیگران و محیط زیست است. برای مثال، هیچ‌کس حق ندارد در جریان جهاد و دفاع درختی را بشکند، باغ و مزرعه‌ای را به عمد نابود کند و آبی را آلوده کند یا معبد و مکان مقدسی را تخریب و منهدم نماید، فارغ از اینکه این مکان مقدس مروج چه دین و مذهبی باشد و همچنین برای حفظ حرمت‌ها و امنیت انسانی، مجاهد اسلام حق ندارد به بزرگان دینی و علمی، سالخورده‌گان، کودکان و زنان تعرض کند. مجاهدان مسلمان، در جهاد نباید مکان فرهنگی یا کتابخانه و آنچه که برای بشریت مفید است تخریب نماید (التجبعی العاملی «شہیدثانی»: ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۹۶-۳۹۲)؛ بلکه از وظایف دینی مجاهد فی سبیل‌الله امان دادن به افراد، مدارا با اسراء و حفظ شعائر، آثار توحید و وحدانیت از قبیل مساجد، معابد ادیان الهی ... در سرزمین‌های فتح شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۲۴ - ۴۲۳ - ۳۹۷).

زمینه‌های افراطی‌گرایی

پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، آمریکا با همراهی برخی از دولت‌های غربی و منطقه‌ای به بهانه مبارزه با تروریسم و گسترش دموکراسی، عراق را اشغال (۲۰۰۳م) کردند و با این اتفاق زمینه رشد و جهش افراط‌گرایی در خاورمیانه فراهم گردید. افراط‌گرایی به معنای روشن‌تر ریشه در نوعی برداشت از اندیشه‌های سلفی دارد و آن به معنای بازگشت به تعالیم اسلام با الگوبرداری کامل از دوره سلف (سه قرن نخست اسلامی)، در قالب تشویق به انفتاح باب اجتهاد (حلبی، ۱۳۸۲: ۲۴۵)، خوانش‌های حداکثری از دین و مخالفت با تفلسف، تصوف، تشیع و... است (آدمی و مرادی، ۱۳۹۴: ۳۵). در واقع سلفی‌گری جریانی است که به آموزه و کردار سلف اعتبار ویژه می‌دهد و نجات را در پیروی از آن می‌داند و بازگشت به اصول و تعالیم ناب نخستین از لوازم آن است ... و نفی آنچه از اسلام فهمیده می‌شود ... بنابراین آنچه از اندیشه علمای انباشته شده از نگاه سلفی پیرایه است و مانع از رسیدن به دین خالص محسوب می‌شود. به نظر ایشان باید به اصطلاح میراث فرهنگی را کنار گذاشت و دنبال یک خوانش ناب از دین بود که البته سلفیون شرط لازم بازگشت به تعالیم خالص و ناب را حاضر شدن به پرداخت هزینه این بازگشت می‌دانند (پاکتچی: ۱۳۹۳) و اگر به معنای تعصب، تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی، سماحت و عقلانیت که

۱. البته به نظر برخی از علمای اهل سنت حرمت کارزار در ماه‌های حرام نسخ شده و جهاد در همه مکان‌ها و زمان‌ها جایز است.

ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی‌دینی خواهد شد (خامنه‌ای: ۱۳۹۰).

دامنه تأثیرگذاری جریان‌های افراطی از مرزهای کشورهای اسلامی، همچون؛ پاکستان، افغانستان، چین، جاکارتا، عراق، سوریه و حتی اروپا... فراتر رفته است. باورهای این جریان‌های افراطی که از افکار و اندیشه‌های سلفی به خصوص از عقاید وهابیت عربستان سعودی نشأت گرفته و با پدیده گروه‌های تکفیری عینیت یافته به اعمال ضدانسانی خود پرداخته‌اند (محرمی، ۱۳۹۶: ۱۵۵). از طرفی امریکایی‌ها در سال‌های اخیر تلاش می‌کردند با طرح خاورمیانه بزرگ واحدهای سیاسی منطقه غرب آسیا را کوچک‌سازی کنند و اهدافی چون؛ حل درگیری اسرائیل و فلسطین، مشارکت کشورهای خاورمیانه در ساختن یک «جامعه مدنی» در منطقه، پیوند کامل منطقه با اقتصاد جهانی از طریق لیبرالی کردن و برنامه تطبیق ساختار، جلوگیری از پیدایش قدرت‌های نظامی که با سلطه آمریکا بر منطقه خاورمیانه به رویارویی برخیزند، به مورد اجراء گذارده شود (Robinson، 2004). در واقع امریکایی‌ها با این طرح کاندو لیزا رایس و برنادلوتیس که؛ مشابهت زیادی هم با مبنای خلافت شام و عراق داشته است با تغییر مرزها و نقشه منطقه، ضمن تثبیت ارزش‌های سرمایه‌داری و غربی با تغییر فرهنگ هویت و افکار مسلمانان در منطقه، به دنبال تأمین امنیت رژیم اسرائیل و ناامنی برای بقیه کشورها و ... بودند، که در عمل با مقاومت گروه‌ها و جریان‌های مختلف مواجه شدند که برخی از آنها زمینه‌ساز افراط‌گری در منطقه خاورمیانه و دیگر مناطق گردید.

الف) نگرش گروه‌های افراطی خاورمیانه‌ای به جهاد اسلامی

نوع برداشت جریان‌های افراطی از دین یکی از شاخص‌ترین مؤلفه‌های شناسایی و تمایز آنها با مؤمنان واقعی است. برای فهم صحیح از باور جریان‌های افراطی ناگزیر از مطالعه اهداف و راهبردهای اعلامی آنها هستیم، که به لحاظ معرفتی ریشه در سلفی‌گری دارد؛ اندیشه‌ایی که بر تقدم نقل به عقل و ظاهرگرایی استوار است که معنای باطنی آیات قرآن را رد می‌کند و بر معنای ظاهری آن‌ها تأکید دارد و تفسیر عقلایی آیات را حرام، بدعت و شرک می‌داند (رب؛ فیرحی، ۱۳۸۷: ۲۴۶). ریشه تاریخی این جریان به گرایش‌های خردگرای موجود تاریخ اسلام باز می‌گردد و باید آنان را پیرو و ادامه دهنده مسیر خردگرایی در جهان اسلام دانست. مهم‌ترین این گرایش‌ها در تاریخ تمدن اسلام، فقهای اهل حدیث، متکلمان اشعری و خوارج هستند (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۳۲-۲۴). در این میان، سلفی‌های افراطی بیش از سایرین به آثار ابن تیمیه استناد می‌کنند که ادامه اندیشه سلفی احمدابن حنبل است، و آرای این دو بر اندیشه

سلفی تأثیر فراوان داشته و مبانی نظری تفکرات افراطی دینی گروه‌هایی همچون القاعده را در سال‌های اخیر شکل داده است.

گروه القاعده به رهبری اسامه بن لادن یکی از اصلی‌ترین جریان‌های افراطی دهه‌های اخیر در خاورمیانه است که اعلام جهاد بین‌المللی کرده است؛ به نظر القاعده درگیری بین جهان اسلام و آمریکا و متحدانش است و مسلمانان لازم است برای دفاع از خود به خودباوری و اتحاد برسند و برای تحقق این اتحاد می‌باید به دنبال رهبری باشند که در بازگشت به دوران شکوه دولت‌های اسلامی، استقرار خلافت را در پی داشته باشد^۱ (مهدی‌بخشی: ۹۵/۷/۱۳). در واقع در اندیشه سیاسی سلفی به‌ویژه بعد از فروپاشی خلافت عثمانی و تقسیم سرزمین‌های اسلامی به‌عنوان قیمومیت و مستعمره بین دول غرب و پیروی دولت‌های جوامع اسلامی از الگوی غربی مبتنی بر ناسیونالیسم و سکولاریسم، موضوعاتی از قبیل ضرورت تشکیل دولت، امارت، خلافت یا حکومت اسلامی اهمیت بیشتر یافت (قربان‌زاده، فاضلی‌نیا، ترابی، ۱۳۹۶: ۸).

بن‌لادن رهبر القاعده همانند ابن‌تیمیه^۲ نخستین وظیفه اصلی و شرعی مسلمانان بعد از ایمان آوردن را جهاد می‌داند و به نظر او مسلمانان می‌باید برای پایان بخشیدن به استعمار دیرینه ملت‌های مسلمان توسط دولت‌های غربی، در گام نخست با جهادی مقدس برای تثبیت حاکمیت خداوند بر روی زمین، نسبت به اخراج کفار از جزیره‌العرب اقدام کنند و چنانچه امکان بیرون راندن دشمن به غیر از جنبش‌های گروهی مسلمانان نباشد، وظیفه ایشان این است که اختلافات ناچیز بین خودشان را کنار بگذارند، راهبردی که ابن‌تیمیه نیز در مقابل تهدید اصلی بر آن تأکید می‌کند به نظر رهبران القاعده استمرار اشغال تحقیرآمیز مقدس‌ترین سرزمین‌های اسلام (شبه جزیره عربستان)، تحمیل تحریم علیه مردم عراق که در نتیجه آن بالغ بر یک میلیون نفر کشته شده‌اند و حمایت از دولت یهودی و منحرف کردن افکار عمومی از

۱. گروه القاعده فلسفه وجودی و مواضع خود را در دو اعلامیه عمومی منتشر کرده است. نخستین اعلامیه در ۲۶ آگوست ۱۹۹۶ و با عنوان «اعلامیه جهادی علیه آمریکا که سرزمین دو مکان مقدس را اشغال کرده است» و دومین اعلامیه خود که در ۲۳ فوریه ۱۹۹۸ با عنوان «جبهه جهانی اسلامی برای جهاد علیه یهودیان و نصرانیان» صادر شده است که بن‌لادن حکومت عربستان سعودی را متهم کرده که شریعت را کنار گذاشته و به نیروهای خارجی؛ یعنی صلیبی‌های آمریکایی اجازه داده است تا کشور را که دو شهر مقدس مکه و مدینه هم مشتمل بر آن هستند، اشغال کنند.

۲. «احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه حنبلی» متولّد سال ۶۶۱ و متوفای سال ۷۲۸ هجری قمری است. در شهر «حران» (شهری است در شام) متولّد شد که آیین وهابیت در قرن ۱۲ هجری بر اساس افکار و آراء او پی‌ریزی گردیده است.

اشغال اورشلیم و قتل عام مسلمانان آنجا از دلایل مشروعیت جهاد مذکور است (مهدی‌بخشی: ۹۵/۷/۱۳).

از لحاظ اندیشه سلفی ریشه در دو مکتب فکری اواخر قرن بیستم دارند: اول، اخوان المسلمین مصر که در سال ۱۹۲۸ توسط حسن البنا با هدف یک جنبش سیاسی، به منظور در اختیارگیری قدرت و دولت و نفوذ در جامعه تأسیس شد، ولی به هیچ‌وجه دکترین خشن و خشکی را که امروز سلفی‌ها دارند، نداشت. دوم، از اندیشه افراطی سیدقطب^۱ و ایمن الظواهری نشأت می‌گیرند و از خشونت شریعت استفاده می‌کنند (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۶۱). سیدقطب به دلیل بازنگری و تأثیر در برخی از مفاهیم اسلامی مانند جهاد میان پژوهشگران اسلامی مشهور است و او را آموزگار تکفیر در سده بیستم نامیده‌اند، با استفاده از مقوله‌های خاصی چون مفاصله (ترک رابطه)، جاهلیت، استیلا (تفوق‌وبرتری) و دارالحراب (سرزمین جنگ)، آگاهانه راه را برای جهادی رادیکال هموار کرد (علی‌پور، قیطاسی، دارابی، ۱۳۹۶: ۴۷) و ایمن‌الظواهری با اشاره به اختلافات القاعده با گروه سلفی - تکفیری داعش؛ القاعده را قبل از اینکه یک گروه با اهداف جهادی و مادی بداند، یک رسالت اعلام می‌کند (ایمن‌الظواهری، ۱۳۹۳). رسالتی که اگر با استدلال و بیان محقق نشد، برای خارج کردن مردم از ظلمات و وارد کردن آنها به دین خدا، جهاد شرعی واجب می‌شود و تا از بین رفتن فتنه و دفاع از حوزه اسلام ادامه می‌یابد (فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، کتاب الجهاد والحسبه، ج ۱۲، ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۸م: ۱۴-۱۳).

مطابق ایدئولوژی القاعده، تشکیل خلافت جایگاه مهمی دارد و مرز میان انسان‌ها را اعتقاد و عدم اعتقاد به اندیشه آنان مشخص می‌کند و کسانی که از مکتب فکری آنان پیروی نکنند باعنوان «کافر، مشرک، منافق» مشمول قوانین وضع شده سختی قرار می‌گیرند. رهبران القاعده جهاد را از سایر عبادت‌های دینی مانند نماز و روزه و حج مهم‌تر می‌دانند. آنها معتقدند؛ مسلمانانی که در عمل و نظر به «جهاد» نپرداخته‌اند، اسلام را درک نکرده‌اند، نظریه‌ای که عبدالله عزام علل جهاد را در عمل مواردی چون: جلوگیری از تسلط کافران بر مسلمانان، ادامه راه سلف صالح، استقرار جامعه اسلامی، حفظ حرمت امت، امنیت مکان‌های مقدس، بهترین نوع عبادت و شهادت اعلام می‌کند (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۹۶-۹۳) که برای نیل به این اهداف ایدئولوژیک، بنیان‌های شبکه چندملیتی القاعده در بیانیه (۱۹۹۸) ریخته شد و جبهه جهانی اسلامی جهاد علیه یهودیان و مسیحیان شکل گرفت (محمودیان، ۱۳۹۰: ۶۹). القاعده در

۱. سیدبن قطب بن ابراهیم (۱۲۸۵ - ۱۳۴۵ ش./۱۳۲۴-۱۳۸۶ ق/۱۹۰۶-۱۹۶۶ م.) معروف به سیدقطب، نویسنده و نظریه پرداز مصری است.

ادامه حرکت‌های جهانی خود در اعلامیه ۲۴ آوریل ۲۰۰۲ با پرداختن به دلایل شرعی حملات ۱۱ سپتامبر^۱، روش‌های غیرخشونت‌آمیز را به‌طور بنیادین، مورد سؤال قرار می‌دهد و به سه بحث مهم دامن می‌زند: اول اینکه، روش‌های غیرخشونت‌آمیز مقابله با ایالات متحده مورد تردید قرار گرفتند، بنابراین سازش مذهبی نمی‌توانست معقول باشد؛ دوم، ایالات متحده جنگی علیه اسلام به راه انداخته است، پس خشونت، جهاد دفاعی بوده و وظیفه همه مسلمانان است و سوم، هیچ شرطی در مورد ممنوعیت کشتن شهروندان در اسلام وجود ندارد. و شهروندان را تحت شرایط خاصی که وضعیت فعلی دارا است، می‌توان مورد هدف قرار داد.

ب) زمینه‌های افراط‌گرایی اسلامی در اروپا

افراط‌گرایی پدیده‌ای که محدود به زمان و یا جغرافیای خاصی نیست. برخی از تئوریسین‌های غربی با دیدی کاملاً منفی اسلام‌گرایی را مترادف خشونت تصویر می‌کنند و این درحالی است که در امریکای شمالی و اروپای غربی، جمعیت‌های قابل ملاحظه‌ای از مسلمانان زندگی می‌کنند که تنها تا حدودی با جوامع میزبان خود همراه و هم‌رنگ شده‌اند. پس از جنگ جهانی دوم میلیون‌ها مسلمان از خاورمیانه، ترکیه، مغرب و جنوب آسیا که از رژیم‌های دیکتاتوری و فشارها و تعصبات فرقه‌ای به ستوه آمده بودند به امید یافتن آزادی سیاسی و رفاه اقتصادی به جوامع دموکرات غربی مهاجرت کردند. بسته به علت ترک کشورهای عربی یا مسلمان خود و نحوه پذیرش آنها در کشورهای مقصد، این گروه از مهاجران افکار و احساسات متفاوتی داشتند. در حالی که مهاجران مسلمانی که قبل از سال ۱۹۷۳ وارد اروپا شده بودند عموماً از منظر سیاسی و گرایش‌های مذهبی محافظه‌کار و میانه‌رو بودند، در میان موج دوم مهاجران و نیز دانشجویانی که از کشورهای مسلمان برای تحصیلات عالی به اروپا آمده بودند، رگه‌ای از افراد شورشی و ناسازگار پدیدار شد. برخی از آنها در گفتار راه افراط در پیش گرفتند (Schmid, 2014: 2) و در جریان اتفاقات جنگ بوسنی نخستین شبکه جهادی در منطقه بالکان شکل گرفت و این گروه جهادی برای میزبان هزینه‌ای نداشتند، اما مشکل این بود که این افراد شاخه‌ای از اسلام یعنی وهابیت را پیاده و تبلیغ می‌کردند که برای بالکان غریبه بود. با سقوط رژیم میلوسوویچ (اکتبر ۲۰۰۰) و نگرانی از سرایت درگیری‌های کشورهای همسایه به منطقه در دهه ۹۰، سختگیری‌های امنیتی کاهش یافت و وهابیت صرب در منطقه پدیدار گشت. در

۱. اعلامیه ۲۴ آوریل ۲۰۰۲ القائده درباره: «حکم قهرمانان و مشروعیت عملیات‌های ایشان در نیویورک و واشنگتن.»

حالی که وهابیت صرب همانند خواهرخوانده‌اش در جامعه بوسنی تحت حمایت مالی آل سعود بود (Kovacic, 2014).

بنابراین، پس از حوادث یازده سپتامبر و حتی فراتر از آن، و دخالت امریکا در عراق نوعی تروریسم «خانگی» در برخی از کشورهای غربی شکل گرفت که اغلب افراد منزوی دارای اصالت مسلمان یا تازه مسلمان بودند، لیکن برخی مواقع نیز این افراد دسته‌ای از مردم بودند که تحت تأثیر جهادی‌هایی که از مناطق جنگ‌زده برگشته و تا حدودی تحت تأثیر رهبران وهابی و سلفی دنیای عرب قرار داشتند. و به نظر اشمید، استاد و پژوهشگر مؤسسه مبارزه با تروریسم^۱ در اروپا درک افراطی‌گرایی در این منطقه از جهان را منوط به دانستن پاسخ سؤالات زیر می‌داند:

۱. در اجتماعات مسلمان در دموکراسی‌های غربی چه کسی را می‌توان یک مسلمان «میانه رو» دانست؟
 ۲. مسلمانان در اجتماعات غربی تا چه حد عقاید بنیادگرایانه خود را حفظ می‌کنند؟
 ۳. آیا می‌توان اسلام‌گرایان را در جوامع لیبرال دموکرات غربی «میانه رو» دانست؟
 ۴. آیا افراطی‌های غیرخشن واقعاً از افراطی‌های خشن متمایز هستند؟
 ۵. ستیزه‌جویی خشن به چه صورتی از مبارزه غیرخشن متمایز نیست؟
 ۶. روابط بین افراطی‌گری، تندروی، بنیادگرایی، سلفی‌گری، اسلام‌گرایی، جهادی‌گری و تروریسم کدامند؟
 ۷. چگونه می‌توان افراطی‌گری را براساس شاخص‌ها تشخیص داد؟
 ۸. آیا دولت‌ها باید برای مقابله با تروریسم با افراطی‌های غیرخشن همکاری کنند؟
- و نتیجه می‌گیرد که تمایز بین «افراطی‌های غیرخشن» مقبول و «افراطی‌های خشن» مردود، کاری نادرست و واهی است چرا که افراطی‌گری مذهبی (در تقابل با برخی اشکال تندروی سکولارتر) ذاتاً خشن است و جوامع لیبرال دموکرات باید به جای همراهی و تسامح با افراط‌گرایی اسلام‌گرا با آن مقابله و مبارزه کنند (Schmid, 2014: 4). اشمید در نظرات خود از عوامل محیطی همچون استعمار سرزمین‌های اسلامی و دیگر عوامل خارج از اصل دین اسلام غفلت می‌ورزد که در ادامه به برخی از آنها می‌پردازیم:

ج) عوامل افراط‌گرایی

از آنچه که درباره مفهوم اصیل جهاد اسلامی و عملکرد افراطیون عصر حاضر بیان شد می‌توان دریافت؛ به‌رغم اینکه دین اسلام نگاهی جامع به زندگی بشر و جنگ و صلح دارد، افراطی‌گری می‌تواند معلول چهار عامل ذیل باشد (خسروپناه، ۱۳۹۳)؛ نفی‌گرایی و متن‌گرایی بدون عقلانیت، عدم رعایت مدارا با دیگران، حاکمیت سیاست قدرت در عرصه بین‌الملل، ترویج مصرف بیشتر حتی در خصوص سلاح و آلات خشونت‌زا که از ارکان مهم نظام سرمایه‌داری است.

اول اینکه افراط‌گرایان؛ نفی‌گرایی و متن‌گرایی بدون عقلانیت، بدون توجه به تحولات زمانه، آموزه‌های دینی را به وقایع جاری پیوند می‌زنند. برای مثال از نظر سلفی‌ها، زنان امروز می‌باید همانند زنان ۱۴۰۰ سال قبل باشند، منهای عقلانیت است و هر پدیده تازه‌ای هم بدعت نیست (خشن، ۱۳۹۱: ۲۱۷-۲۱۰ و ۱۲۶). البته در مقابل، عقلانیت منهای وحی و نص‌گرایی می‌تواند عامل خشونت باشد که نازیسم در اروپا و... را می‌توان از این نوع تفکرات نام برد. بنابراین عقل منهای وحی، یا وحی منهای عقل هر دو می‌توانند عامل افراط‌گرایی و خشونت محسوب شوند.

دوم بی‌توجهی به مدارا، به‌عنوان روش زندگی؛ در همه ادیان به مدارا توصیه شده است و آموزه‌های اسلام هم به مدارا کردن با مردم، هم‌سنگ انجام واجبات تأکید دارد^۱. به‌طوری‌که پیامبر اکرم (ص) فرموده است؛ پروردگرم، همان‌گونه که مرا به انجام واجبات فرمان داده، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است (کلینی، ج ۲: ۱۱۷، ح ۴)، و از نظر علی (ع) امام اول شیعیان؛ عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با مردم مدارا کند^۲ (من‌لایحضره الفقیه ج ۴: ۳۹۵، ح ۵۸۴۰) و مدارا کردن با مردم، را سرآمد حکمت می‌داند^۳ (غررالحکم، ۵۲۵۲). بنابراین مدارا در اسلام که دینی معتدل و میانه‌رو است یک قاعده و اصل است و افراط و تفریط در هر چیزی را حتی عبادت خدای سبحان باشد، نمی‌پذیرد (الخشن، ۱۳۹۱: ۱۸۹-۱۸۳).

سوم حاکمیت سیاست قدرت در روابط بین‌الملل؛ دولت‌های سلطه‌گر با تحریک شکاف‌های سیاسی - اجتماعی، وقوع جنگ‌های خشونت بار را زمینه‌سازی می‌کنند و عملاً نظریه‌های همچون؛ جنگ تمدن‌های هانتینگتون بر گفت‌وگوی تمدن‌ها ترجیح داده می‌شود.

۱. اَمْرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا اَمْرَنِي بِاَدَاءِ الْفَرَائِضِ؛ پروردگرم، همان‌گونه که مرا به انجام واجبات فرمان داده،

به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است. کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲: ۱۱۷، ح ۴

۲. عَقْلُ النَّاسِ اَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ؛ امام علی (ع)

۳. رَأْسُ الْحِكْمَةِ مُدَارَاةُ النَّاسِ امام علی (ع)

چهارم ترویج مصرف و کسب درآمد بیشتر، از ارکان مهم نظام سرمایه‌داری است و از هر طریقی ممکن و مباح است، حتی اگر به ایجاد و گسترش افراطی‌گری یا هر نوع خشونت دیگری منجر گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد ناسازگاری افراطی‌گری و خشونت با مفهوم جهاد در اسلام بررسی و با ارائه نمونه‌هایی تبیین شود. جهاد به معنای «کوشش در راه خدا»، یک حکم دینی است که برای ترویج تعالیم الهی و گسترش و تحکیم صلح بین انسان‌ها، تکلیف شده است. فرد مسلمان مکلف است برای حیات مطلوب مبتنی بر صلح و محبت تلاش نماید. بازخوانی مفهوم جهاد در سیره و سنت پیامبر اکرم (ص)، هم حاکی از آن است که جنگ‌های پیامبر ماهیت اصلاحی داشته و تلاشی برای غلبه بر خشونت و مقابله با افراطی‌گرایی رایج در جزیره‌العرب بوده است. لذا برخلاف تفکر افراط‌گرایانه که برتری‌جویی برخی بر بعض دیگر اصل و اساس قرار می‌گیرد، رابطه انسان‌ها در اسلام و دیگر ادیان الهی بر پایه برادری، برابری و صلح و مودت است. همچنین باید به این نکته توجه نمود که گروه‌های افراطی با ارائه تفسیری خودخواسته و شخصی از مفهوم جهاد در پی مشروعیت‌سازی برای خشونت هستند که علیه اشخاص و دولت‌ها بکار می‌گیرند. اقداماتی که با شریعت اسلام منطبق نیست و انگاره‌های افراط‌گرایانه برای تعریف کنش رفتاری و هویت بخشی به حکومت «خشونت‌پایه» با هنجارها و ارزش‌های جعلی، انطباقی با تعالیم هنجاری، ادراکی و رفتاراسلامی نداشته است. بنابراین تلاش برای شکل‌گیری هویت برساخته مبتنی بر افراط و خشونت از لحاظ دینی کاملاً مردود بوده و ایجاد حکومتی که می‌بایست انعکاس نشانه‌هایی از همبستگی و قاعده‌پذیری در جوامع انسانی باشد با افراط‌گرایی غیرممکن و اثبات‌کننده فرضیه مقاله است.

منابع و ماخذ

قرآن کریم

قرآن حکیم و شرح آیات منتخب (۱۳۸۷). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: مرکز نشر قرآن جمهوری اسلامی.

احکام جهاد: تاریخ مراجعه: ۱۳۹۲/۷/۱۲، <http://fa.wikishia.net>، اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۶). القاعده از پندار تا پدیدار (بررسی خاستگاه القاعده، جایگاه آن در تحولات منطقه و تأثیر آن بر اسلام‌گرایی)، تهران: انتشارات اندیشه سازان نور.

امام‌خمینی (۱۳۵۷). ولایت فقیه «حکومت اسلامی»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
آدمی، علی و عبدالله مرادی (۱۳۹۴). «چیستی افراط‌گرایی در اسلام سیاسی: ریشه‌های هویتی و کنش هنجاری»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۳: ۵۹-۲۹.
بلاغی، محمدجواد (بی‌تا). الرحلة المدرسية، کربلا: مؤسسه الاعلمی.

بهنساوی، سالم (۱۳۹۲). نقد و بررسی اندیشه تکفیر، ترجمه سالم افسری، تهران: نشر احسان.
ایمن الظواهری (۱۳۹۳). بیانیه؛ پاسخ ایمن الظواهری به داعش: القاعده یک رسالت است نه گروه جهادی!، www.islamtimes.org/fa/news/374762

پاکتچی، احمد (۱۳۹۴). نسبت میان وهابیت و جریان سلفی، نشست تخصصی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

تسخیری، محمدعلی؛ غلامرضا مصباحی مقدم و عبدالحسین خسروپناه (۱۳۹۳). سخنرانان سمینار؛ نقش گفت‌وگوی دینی در مبارزه با افراط‌گرایی و خشونت، در اولین دوره گفت‌وگوهای دینی مرکز گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها با رهبران دینی کنیا، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۳/۷/۱۴.

توکلی، سعید (۱۳۹۳). «القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۲۳: ۱۹۶-۱۵۱.

الجبعی العاملی «شهیدثانی»، زین‌الدین (۱۳۸۷). الرضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، جلد ۲، با نظارت؛ کلانتر، سیدمحمد، نجف اشرف، منشورات جامعه النجف الدینی.
جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۱). مفاتیح الحیاه، قم: نشر اسراء.

حلبی، علی‌اصغر (۱۳۸۲). تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر، تهران: نشر زوار.
خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). خطبه‌های نماز جمعه تهران. farsi.khamenei.ir
الخشن، حسین احمد (۱۳۹۱). اسلام و خشونت (نگاهی نو به پدیده تکفیر)، ترجمه موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

رشیدرضا، محمد (بی‌تا). تفسیرالمنار، جلد ۲، چاپ سوم، بیروت: دارالمعرفه.
رشیدرضا، محمد (۱۴۰۸ ه.ق). الوحی المحمدی، قاهره: الزهراء للاعلام العربی.
صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۲). جهاد در اسلام، تهران: نشرنی.

علی ابن ابی طالب (ع) امام اول (۱۳۷۸). *غُرُرُ الْحِكْمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ*، گردآوری؛ تیمی آمیدی، عبدالواحد، شرح و ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی و کتابخانه دیجیتال نور.

www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView

علی پور، جواد؛ سجاد قیطاسی و مهدی دارابی (۱۳۹۶). «تأثیر اندیشه‌های ابن تیمیه بر خطوط فکری و خط مشی گروه‌های سلفی - تکفیری»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۲: ۶۲-۳۵.
 علیخانی، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۶). مقاله تحلیل جنگ‌های پیامبر با کفار در کتاب سیاست نبوی؛ مبانی، اصول، راهبردها، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
 علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۵). «کرامت انسانی و خشونت در اسلام»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۳: ۱۲۱-۹۹.

عمار، محمد (۱۹۷۲). *تحقیق، فی الاعمال الکامله من محمد عبده*، جلد ۵، بیروت.
 عمار، محمد (۱۳۸۳). *اسلام و جنگ و جهاد*، ترجمه احمد فلاحی، تهران: نشر احسان.
 فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الافتاء، *کتاب الجهاد و الحسبه*، جلد ۱۲ (۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م)، چاپ اول، ریاض: نشر اداره مباحثات علمی و افتاء.

<http://pdf.lib.eftawa.ir/93144/12/4>

فیرحی، داود (۱۳۸۷). *روش‌شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۸۵). «جنگ و صلح از دیدگاه قرآن»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۳: ۷۴-۵۱.

قربانزاده قربانعلی؛ فریدون فاضلی‌نیا و سمیه ترابی (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی خط‌مشی سیاسی سلفیت اصلاحی - تنویری و سلفیت جهادی - تکفیری»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۳: ۲۳-۱.

کاونا، ویلیام ت (۱۳۹۷). *ندا، اسطوره خشونت مذهبی: ایدئولوژی سکولار و تعرض مدرن*، ترجمه شاه نوری، تهران: ناشر: سرو اندیشه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *اصول کافی*، جلد ۲، ط الاسلامیه محرمی، توحید (۱۳۹۶). *عراق جدید و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

محمود عویس منصور محمد (۱۳۸۶). *جنگ‌های روانی پیامبر اعظم*، ترجمه احمد بادکوبه و دیگران، تهران: انتشارات بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی.

محمودیان، محمد (۱۳۹۰). *بنیادهای فکری القاعده*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
 مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). *مجموعه آثار کتاب جهاد*، جلد ۲۰، تاریخ درج در سایت: ۱۳۹۱/۳/۲۱

www.mortezamotahari.com/fa/BookView.html?BookId=397&BookArticleID=1
 2933

ناسازگاری افراط‌گرایی و خشونت ... ❖ ۲۳۹

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۷). **فلسفه تشریح حکم جهاد در اسلام چیست؟**، قم: سایت دفترآیت الله مکارم شیرازی، maaref.makarem.ir/fa/Article/Index/245364
محمد بن علی ابن بابویه (۱۴۱۳ ه.ق). **من لایحضره الفقیه**، جلد ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه المنتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ ه.ق). **ولایت الفقیه (چاپ عربی)**، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.

مهدی بخشی، شیخ‌احمد (۱۳۸۵). **جهاد از ابن تیمیه تا بن لادن**، تاریخ رجوع: ۹۵/۷/۱۳، www.ensani.ir

نایب عبدالوحدید (۱۳۸۵). **رئیس دانشگاه کشمیر، سید شابیر؛ رئیس سازمان خیریه جامو و کشمیر، احمد تیجانی؛ امام جمعه سیرالئون. سخنرانان؛ همایش بین‌المللی «تعامل سازنده ادیان الهی، چارچوبی برای نظم جهانی»**، اصفهان، سایت پگاه حوزه، فروردین ماه، شماره ۱۸۰

A.Wendt, "**On the Via Media : A Response to the Critics**", **Review of International Studies** , 2000.

Robinson, William: **What to Expect from U.S. Democracy Promotion in Iraq**, University of California 2004, (<http://www.focusweb.org>).

Rashid, Qasim, Any one who says the Quran advocates terrorism obviously hasn't read its lessons on violence, www.independent.co.uk/voices, Monday 10 April 2017.

Schmid, Alex P, "Violent and Non-Violent Extremism: Two Sides of the Same Coin?" [Online] Research Paper of International Center for Counter-Terrorism-The Hague; May 2014; Available at:<http://www.icct.nl/download/file>.

Kovacic, David "Jihadism, Radical Islam, Terrorism and the Western Balkans;" [Online] East West Bridge; November 24, 2014; Available at: <http://www.ewb.rs/editone.aspx?id=243>.